

علم أصول الفقه

۳

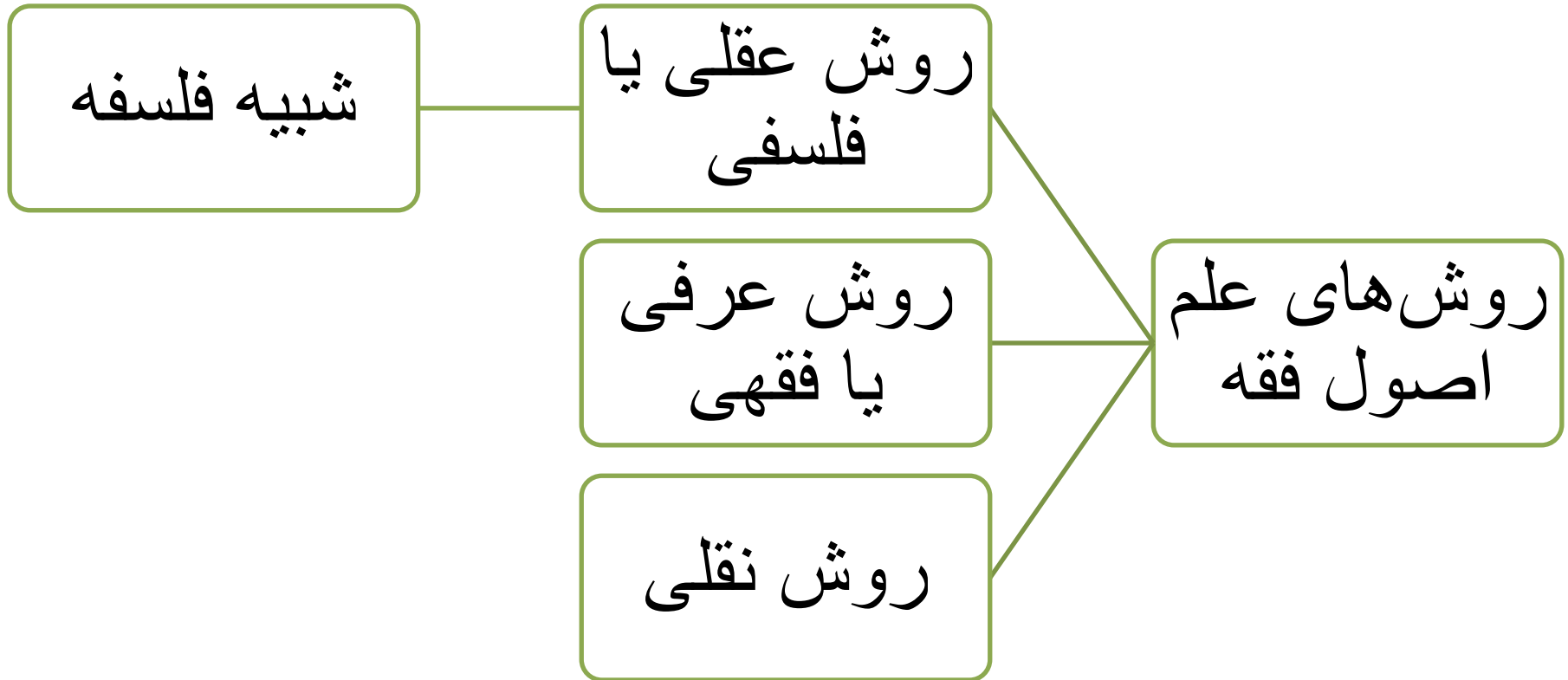
۹۳-۷-۳۰ روش شناسی

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

الْمُتَّقِينَ

- ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (٢) الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (٣) وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (٤) أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (٥)

بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

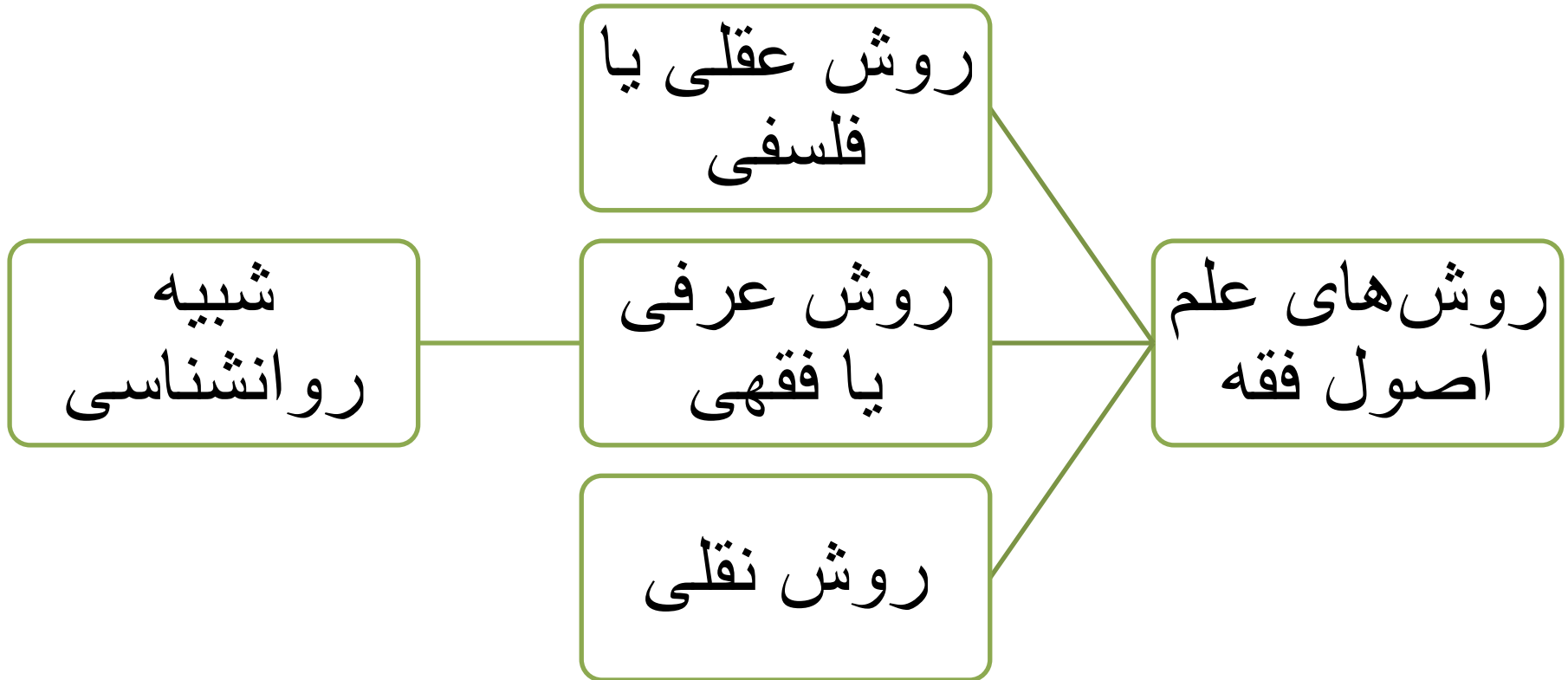


کاربرد روش عرفی

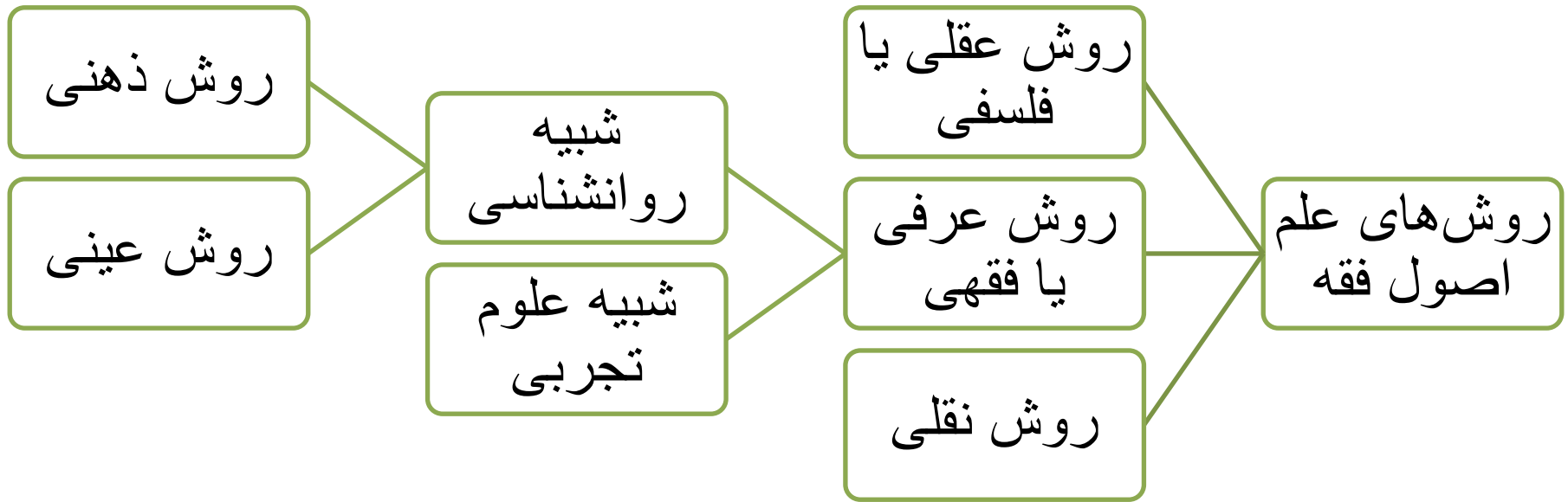
در کشف ارتکازات
عقلا و سیره‌ها

کاربرد روش
عرفی

بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



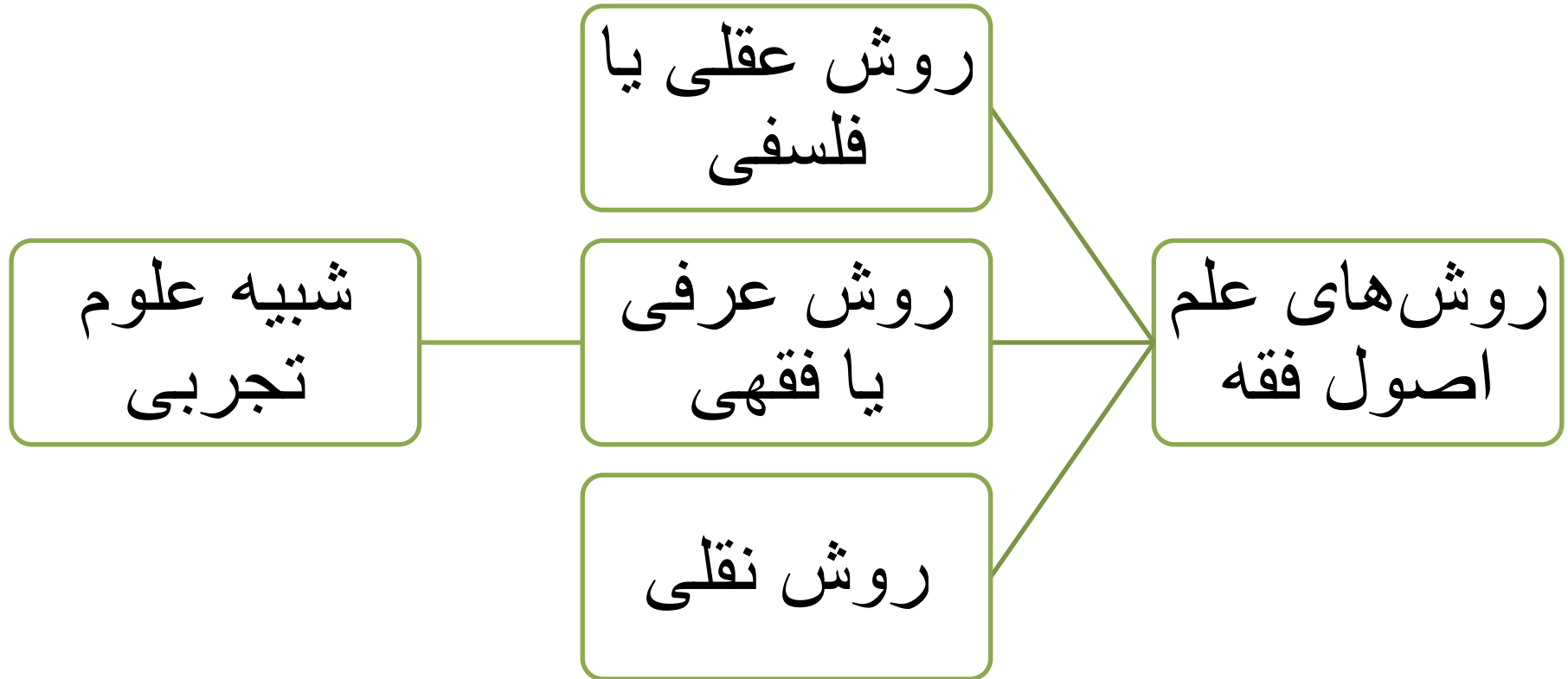
کاربرد روش عرفی

در کشف ارتکازات
عقلا و سیره‌ها

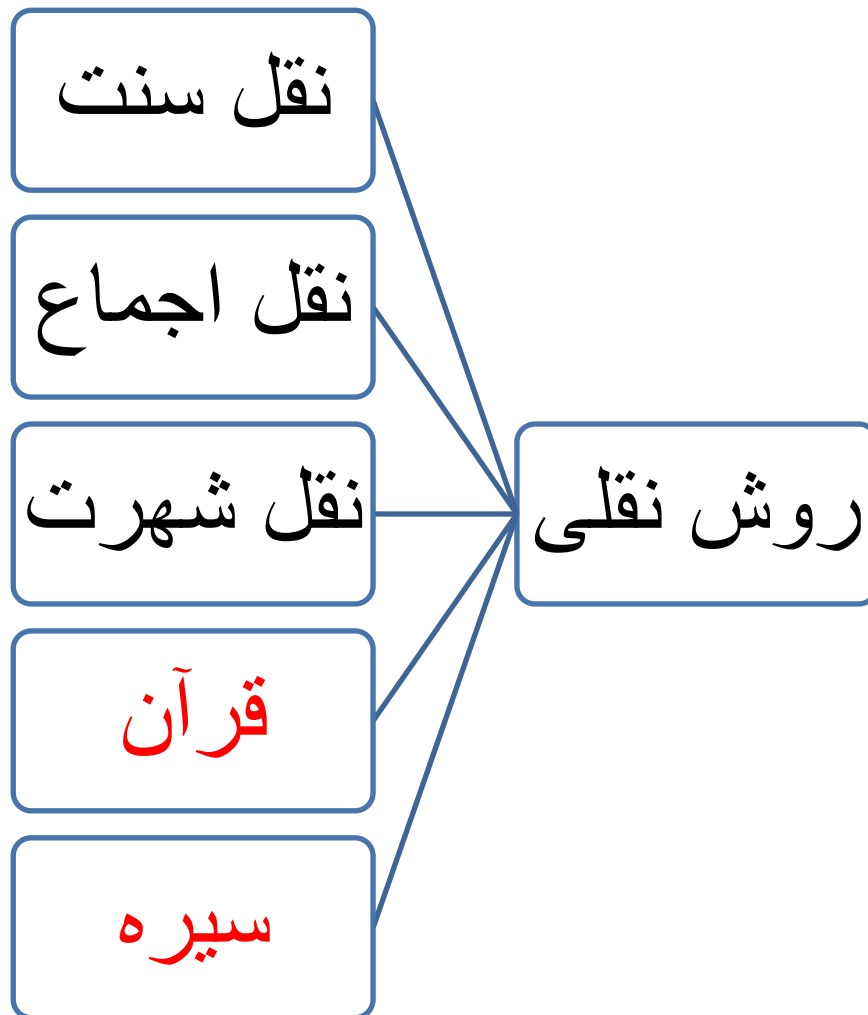
کاربرد روش
عرفی

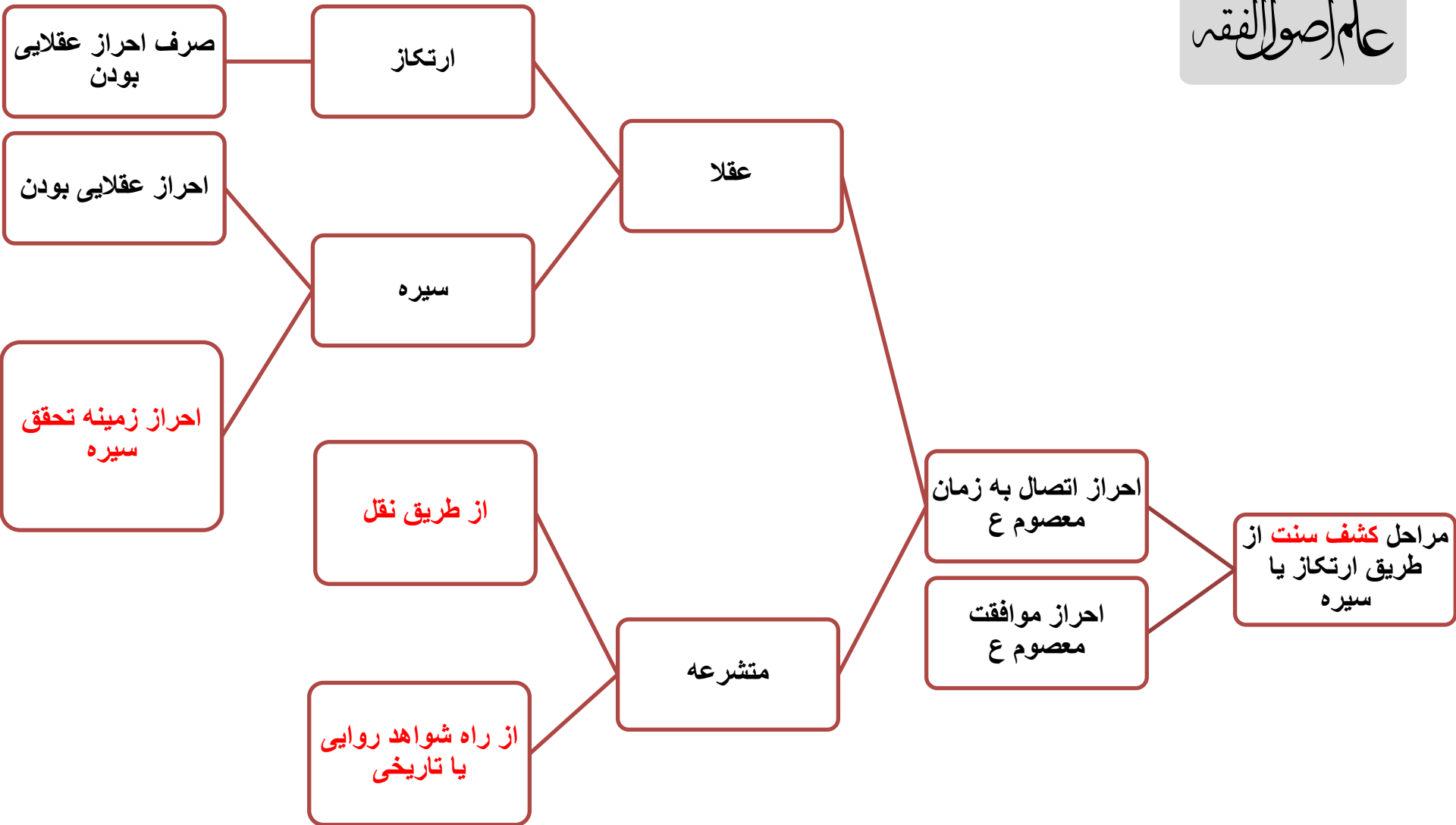
در بحوث تحلیلی
لغوی

بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

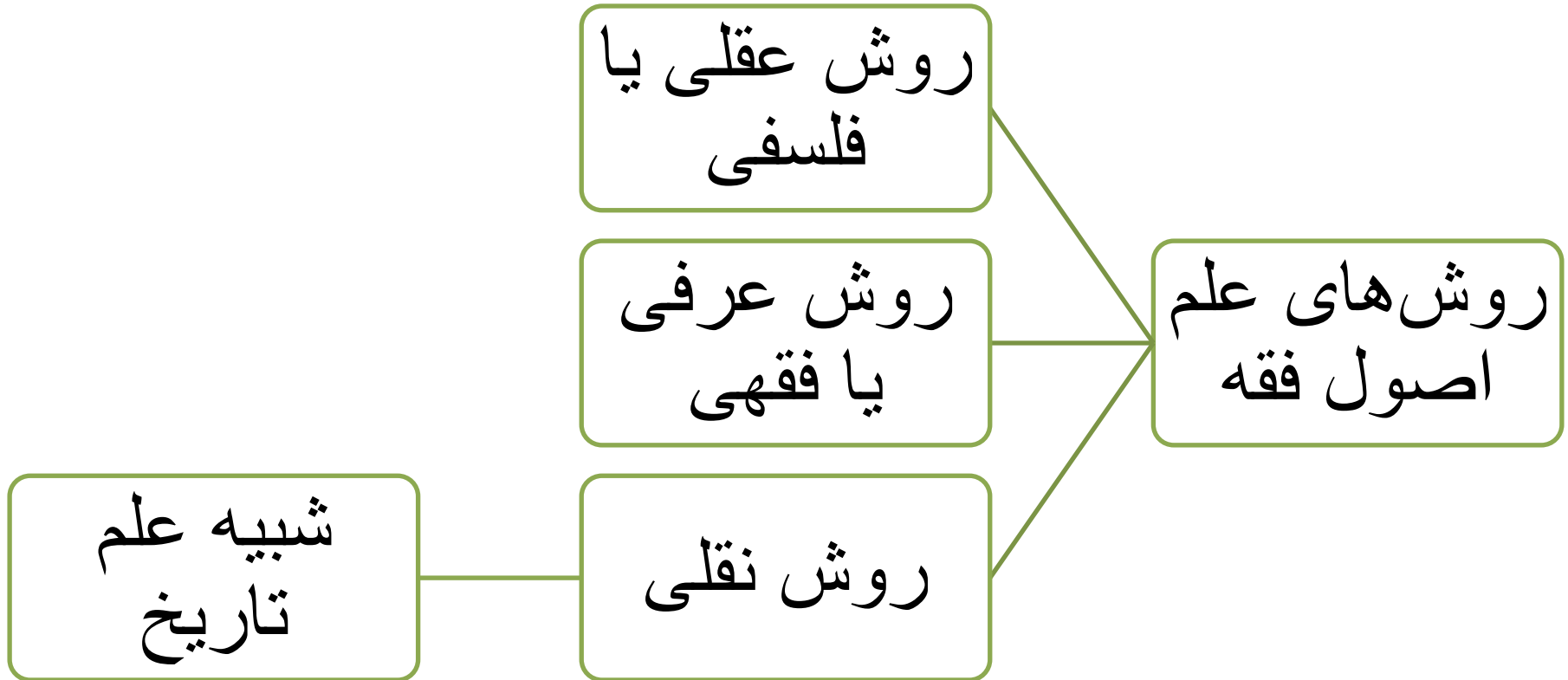


فصل سوم: روش نقلی





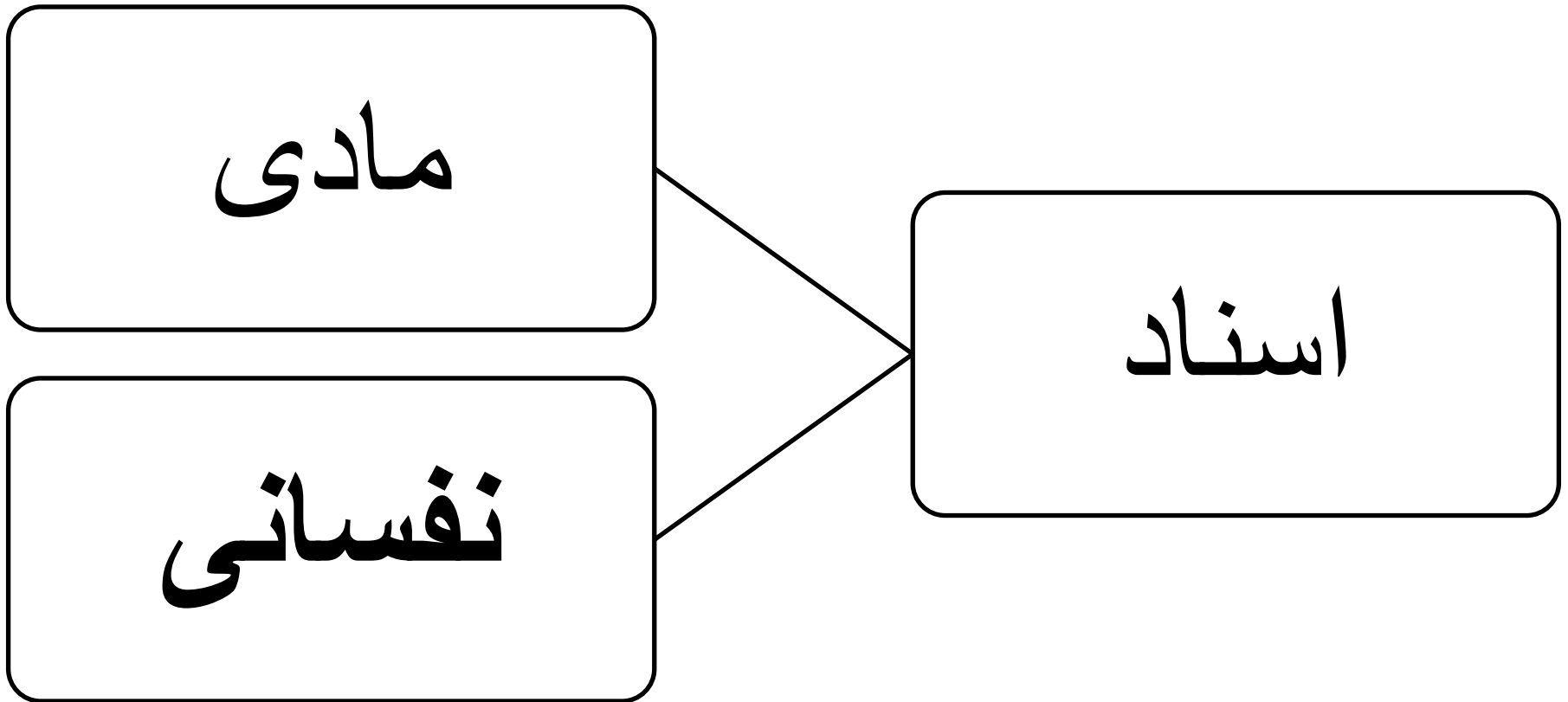
بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



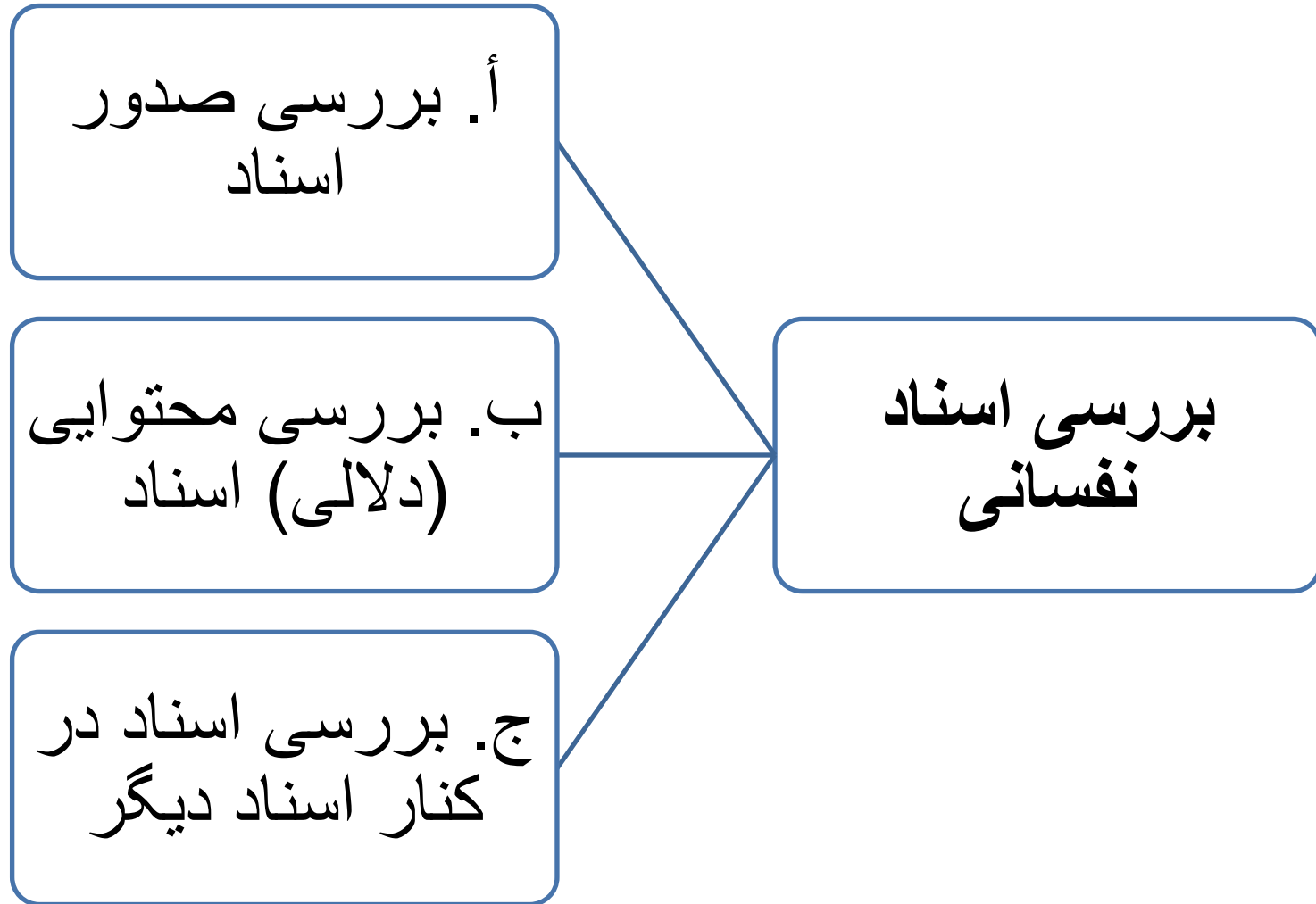
انتقاد تاریخی

روش در علم
تاریخ

شباهت علم اصول به علم تاریخ در روش نقلی



بررسی اسناد نفسانی



تعامل و اشتراک بین این روش-ها

1. در آنجا که استفاده از چند روش برای حل یک مسأله امکان دارد.

2. گاهی فقیه یا اصولی در حل یک مسأله در عین حال که از یک روش استفاده می‌نماید، در متن مطالعه‌ی آن مسأله، نیاز به استفاده از روش دیگر نیز پیدا می‌کند.

تعامل و
اشتراک بین
این روش-ها

تعامل و اشتراک بین این روش-ها

1. در آنجا که استفاده از چند روش برای حل یک مسأله امکان دارد.

2. گاهی فقیه یا اصولی در حل یک مسأله در عین حال که از یک روش استفاده می‌نماید، در متن مطالعه‌ی آن مسأله، نیاز به استفاده از روش دیگر نیز پیدا می‌کند.

تعامل و
اشتراک بین
این روش-ها

تعامل و اشتراك بين اين روش-ها

- ۱. در آنجا که استفاده از چند روش برای حل یک مسأله امکان دارد؛ مثل این که ممکن است یک مسأله هم به روش نقلی قابل بررسی باشد و هم به روش عرفی.

تعامل و اشتراک بین این روش-ها

- از جمله مثال‌هایی که در این قسمت می‌توان بیان کرد، کشف معانی الفاظ متون قدیمی است. برای کشف معنای لفظ دو روش وجود دارد.

تعامل و اشتراک بین این روش‌ها

- یک روش **مراجعه به کتب لغت** است. در این روش که یک روش **نقلی** است با مراجعه به گزارش‌هایی که در مورد کاربرد لفظ داده شده، معنای آن را کشف می‌نماییم.
- روش دیگر **مراجعه به ارتکازات زبانی خودمان به عنوان صاحبان آن زبان** است. این روش یک روش **عرفی** است.

تعامل و اشتراک بین این روش-ها

1. در آنجا که استفاده از چند روش برای حل یک مسأله امکان دارد.

2. گاهی فقیه یا اصولی در حل یک مسأله در عین حال که از یک روش استفاده می‌نماید، در متن مطالعه‌ی آن مسأله، نیاز به استفاده از روش دیگر نیز پیدا می‌کند.

تعامل و
اشتراک بین
این روش-ها

تعامل و اشتراک بین این روش‌ها

- ۲. گاهی فقیه یا اصولی در حل یک مسأله در عین حال که از یک روش استفاده می‌نماید، در متن مطالعه‌ی آن مسأله، نیاز به استفاده از روش دیگر نیز پیدا می‌کند.
- مثلاً اگر یک مسأله‌ی تاریخی را بررسی می‌کند و از روش **نقلی** بهره می‌گیرد، در متن مطالعه‌ی آن مسأله، استفاده از روش **عقلی** را لازم می‌بیند.

تعامل و اشتراك بين اين روش-ها

- مثال زیر در روشن تر شدن این مطلب به ما کمک می کند:

تعامل و اشتراك بين اين روش-ها

- فرض کنید می خواهیم آیهی «ید الله فوق ایدیهم» را مورد بررسی قرار دهیم و معنا و مفهوم آن را بفهمیم.

تعامل و اشتراک بین این روش‌ها

- در این بررسی مثل تمامی سندهای تاریخی نیازمند بحث صدوری و بحث دلالتی هستیم. همان طور که قبلاً گفتیم بحث سندی در مورد قرآن مثل روایات نیست. ما قرآن را یک جا مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ در حالی که در روایات ما هر روایت را به صورت جداگانه بررسی می‌کنیم.

تعامل و اشتراک بین این روش‌ها

- بحث تواتر قرآن، و حیانی بودن الفاظ آن اضافه بر و حیانی بودن محتوا، چگونگی چینش آیات کنار هم و تشکیل سور و ترتیب سور به هدایت وحی، همگی مطالبی است که به عنوان مبانی فلسفی علم اصول فقه، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و همه‌ی آنها با استفاده از روش نقلی است.

تعامل و اشتراک بین این روش‌ها

- بعد از تکمیل بحث سندیت قرآن نوبت به بحث دلالتی در مورد هر آیه می‌رسد. در آیه‌ی مورد نظر ابتدا به معنای مفردات آیه و سپس به معنای ترکیب آنها می‌پردازیم، یعنی به شیوه‌ای که یک مورخ، یک سند تاریخی را مطالعه می‌کند، عمل می‌نماییم و به معنایی دست پیدا می‌کنیم. این معنا دستاورد یک مطالعه‌ی نقلی است.

تعامل و اشتراک بین این روش‌ها

- بعد از به دست آوردن معنای ظاهری آیه، این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان اخذ به ظاهر کرد و عیناً همان معنا را پذیرفت؟ البته حجیت خود این ظاهر و حجیت تمامی ظواهر به شکل کلی مطلبی است که به شیوه‌ی عرفی و از طریق ارتکاز و سیره‌ی عقلا به آنها رسیده‌ایم و به استناد همین روش است که می‌توانیم بر طبق ظواهر عمل نماییم.

تعامل و اشتراک بین این روش-ها

- اما در مورد آیه‌ی مذکور جا دارد پرسیم آیا می‌توان ظاهر آیه را به عنوان معنای آیه پذیرفت؟ در جواب این پرسش نه دیگر روش عرفی را به کار می‌گیریم و نه روش نقلی را. آنچه در اینجا مورد استفاده قرار می‌گیرد، روش عقلی است.

تعامل و اشتراک بین این روش-ها

- اگر بخواهیم به ظاهر آیه تمسک کنیم، معنایش این است که خداوند تبارک و تعالی دست داشته باشد و لازمه‌ی دست داشتن این است که خداوند جسم باشد و معنای جسم داشتن این است که خداوند از یک سو نیازمند باشد و از سوی دیگر محدود.

تعامل و اشتراک بین این روش-ها

- در حالی که این لوازم با استغناى ذاتى خداوند منافات دارد. بدین ترتیب درمی یابیم که نمی توان به معنای ظاهری آیه تمسک کرد و باید به دنبال معنای قابل قبولی برای آیه باشیم.

تعامل و اشتراک بین این روش-ها

- از این رو، می‌گوییم: ید در انسان ابزار، نماد و نشانه‌ی قدرت است. انسان قدرت خویش را با دست نشان می‌دهد.
- در آیه‌ی فوق نیز خداوند تبارک و تعالی از ید به عنوان کنایه از قدرت استفاده نموده است.
- بنابراین مقصود آیه این است که قدرت خداوند بر آن قدرت‌ها غلبه دارد و آنها تحت همینه‌ی قدرت الهی هستند.

تعامل و اشتراک بین این روش‌ها

- همان طور که مشاهده می‌شود ما در تعیین معنای مراد از آیه، در عین حال که **مراجعه لغوی** داریم و معنای لفظ را به تنهایی و در متن مورد مطالعه قرار می‌دهیم - که از این جهت یک کار **نقلی** انجام می‌دهیم - در همان حال به یک ارزیابی **عقلی** هم می‌پردازیم و با ارزیابی عقلی آن محتمل اولی را که در صورت عدم مانع، مورد نظر آیه بود، کنار می‌گذاریم و به یک معنای دورتر منتقل می‌شویم که آن معنا فقط با یک برهان عقلی به دست آمده است و به اقتضای ظاهر آیه نیست.

تعامل و اشتراک بین این روش‌ها

- در متن مطالعه‌ی یک آیه یا روایت که امر منقولی است و قاعدتاً باید از روش نقلی استفاده کنیم، بعضی اجزای بحث را مثل اخذ به ظاهر و حجیت ظاهر، به روش عرفی به دست می‌آوریم و در تعیین مفردات الفاظ گاهی از اوقات معنا را از طریق مراجعه‌ی به لغت - یعنی مراجعه به آنچه لغوی‌ها برای ما نقل کردند - به دست می‌آوریم و در واقع از روش نقلی استفاده می‌کنیم.

تعامل و اشتراک بین این روش‌ها

- و البته اگر معنای مورد نظر یک معنای اصطلاحی باشد، به صاحبان اصطلاح مثل فقها، اصولی‌ها، فلاسفه و... رجوع می‌کنیم تا دریابیم آنها لفظ مذکور را در چه معنایی به کار برده‌اند و در این صورت هم باز روش نقلی را به کار می‌گیریم و ممکن است گاهی نیازمند به استفاده از روش عقلی باشیم مثل آنجا که استناد به معنای ظاهری عقلاً لوازمی دارد که نمی‌توان به آن لوازم ملتزم شد. در نتیجه باید از آن معنای ظاهری دست برداریم و معنای مناسب دیگری برای آن بیابیم.

تعامل و اشتراک بین این روش‌ها

- احتمال دیگری که در معنای ید در آیه‌ی فوق مطرح می‌شود، احتمال منسوب به عرفا است. عرفا معتقدند: الفاظ در وسیع‌ترین معانی خودشان وضع می‌شوند و آنچه به عنوان مصداق برای آنها مطرح می‌شود با محدودیت‌هایی که دارد، یک مصداق است. اینها محدودیت‌های مأخوذ در موضوع له نیست. با توجه به این نظر، ید یک معنای وسیعی دارد که این دست مادی - یعنی این ابزار خاص که در حیوانات وجود دارد - مصداقی از آن مفهوم کلی است.

تعامل و اشتراک بین این روش‌ها

- لفظ همان گونه که صاحب معالم بیان نموده، اضافه بر معنای لغوی و اصطلاحی، ممکن است معنای عرفی هم داشته باشد. کشف این معانی عرفی برای الفاظ از طریق روش عرفی - یعنی با مراجعه به ارتکازات خود صاحبان لغت - به دست می‌آید.

تعامل و اشتراک بین این روش‌ها

- همان طور که ملاحظه شد در این مورد از تعامل و اشتراک، در عین حال که دو یا سه روش همزمان با هم مورد استفاده قرار می‌گیرند، هر یک از آنها در همان موضوع خاص و مسأله‌ی خاصی که محدوده‌ی کارایی آنها است، به کار می‌روند. مثلاً در مثالی که گذشت - یعنی آیه‌ی ید الله فوق ایدیهم - ما به روش نقلی معنای آیه را به دست می‌آوریم و سپس با روش عقلی احتمال اراده‌ی این معنای ظاهر را نفی می‌کنیم و در نتیجه معنای خلاف ظاهر را می‌پذیریم. در این مثال آنجا که از روش عقلی استفاده می‌کنیم با آنچه روش نقلی را در آن به کار می‌گیریم، تفاوت دارد. روش نقلی را به کار می‌گیریم تا معنای مفردات الفاظ را به تنهایی یا در ترکیب عبارت به دست آوریم و سپس معنای ظاهر را تعیین کنیم و روش عقلی را به کار می‌گیریم تا بفهمانیم معنای ظاهر مستلزم پذیرش تالی فاسدهایی است که نمی‌توان به آنها ملتزم شد. بدین ترتیب به معنای دورتری که خلاف ظاهر است، منتقل می‌شویم و اگر این برهان عقلی نبود، آن معنای دوم حاصل نمی‌شد.